

تعریف‌های دین از نظر دین شناسان غربی

در نوشتار پیشین، نخست گونه‌های تعریف دین از منظر دین‌شناسان غربی را تبیین کردیم، سپس به تبیین فرایند تعریف دین در جهان غرب پرداختیم و در ادامه، تعریف‌های ذاتی دین را نقل و بررسی کردیم. در این نوشتار به بررسی سه گونه دیگر از تعریف‌های دین از نظر دین شناسان غربی خواهیم پرداخت: ۱. تعریف‌های غایت انگارانه، ۲. تعریف‌های اخلاق گرایانه، ۳. تعریف‌های روان شناختی.

تعریف‌های غایت انگارانه

تعریف‌های غایت انگارانه از اقسام تعریف‌های کارکردگرایانه است. یکی از این تعریف‌ها آن است که بینگر^(۱) یادآور شده و گفته است: «دین نظامی از باورداشت‌ها و عملکردهایی است که از طریق آنها گروهی از آدم‌ها با مسایل غایی زندگی بشری کلنچار می‌روند».

این تعریف، از تعریف‌های بسیار عام و گسترده‌ای است که مکاتبی چون کمونیسم را نیز شامل می‌شود. اصطلاح

رایج و شایع دین چنین مکاتبی را شامل نمی‌شود.

شارف در نقد تعریف بینگر گفته است: «این تعریف چنان ابعاد گسترده‌ای دارد که اجازه می‌دهد تقریباً هر نوع وفاداری نیرومند یا مقصود پرشوری که مشترك در میان يك گروه باشد، در زمره دین به شمار آید». برای مثال هواداران سرسخت يك تیم فوتبال را نیز با این تعریف می‌توان پیروان يك دین به شمار آورد. در مورد اعضای باشگاه هواداران يك خواننده یا نوازنده نیز

1. Milton vinger.

می‌توان گفت که آنها نیز با مسایل غایی زندگی بشری کلنجار می‌روند.

اشکال اساسی این تعریف در اصطلاح «مسایل غایی زندگی بشری» نهفته است. این مسایل چیست؟ چه کسی باید این مسایل را تعیین کند، جامعه شناس یا مؤمن؟ مسأله غایی زندگی بشری برای بسیاری از انسان‌ها می‌تواند این باشد که چگونه می‌توان تا آنجا که ممکن است از زندگی لذت برد، از رنج پرهیز کرد و شادمانی را تضمین کرد.^(۲)

کارل بارت^(۳) در تعریف دین گفته است: «دین جستجوی انسان برای رسیدن به خداست و همیشه منتهی به یافتن خدا می‌شود به شرط آن که مطابق میل انسان باشد».^(۴)

این تعریف، از تعریف‌های خاص دین است، و تنها ادیانی را شامل می‌شود که در آنها مفهوم خدا شناخته شده است و ایمان به خدا به عنوان اساسی‌ترین آموزه

اعتقادی به شمار می‌رود. با این حال، به عنوان تعریف خاص نیز تعریف جامع‌الاطرفی نیست، زیرا جستجوگری خدا، اگر چه گوهر دین و هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد، ولی دین ابعاد اعتقادی و عملی دیگری نیز دارد. عبارت «به شرط آن که مطابق میل انسان باشد» با این توضیح قابل قبول است که مقصود از «میل انسان» فطرت انسانی باشد.

ریشل^(۵) و ترولتش^(۶) دین را به چیزی که واجد خودسالاری و تقویت رأی و قدرت عقل برای تأثیرگذاری است، تعریف کرده‌اند.^(۷)

این تعریف از دو نظر قابل نقد است:

۱. خود سالاری اگر به معنای سلطه من طبیعی و حیوانی باشد، چنین غایتی نه تنها در دین وجود ندارد، بلکه غایت دین این است که خود سالاری من طبیعی و حیوانی انسان را محدود کند تا من علوی و انسانی او توسعه و اقتدار یابد. و اگر

۲. جامعه شناسی دین، ص ۳۰-۳۱.

3. Karl Barh.

۴. علامه محمدتقی جعفری، فلسفه دین، ص ۱۰۵.

5. Rischl.

6. Troeltsch.

۷. فلسفه دین، ص ۱۰۶.

خدا را بنیاد و مبنای هستی دانسته است، متعلق این سرسپردگی خداوند خواهد بود.^(۹)

آنچه تیلیخ گفته است در حقیقت تعریف ایمان و دینداری است، و چنان که در بحث معنی‌شناسی دین یادآور شدیم، واژه دین در قرآن کریم و نیز ادبیات عرب پیش از اسلام به دینداری و ایمان اطلاق شده است.

از این نظر، دینداری دارای سه رکن است، اعتقاد عقلی، تصدیق یا باور قلبی، و التزام عملی. و سرسپردگی و جذبۀ نتیجه یا لازمه اعتقاد عقلی، باور قلبی و التزام عملی راستین است.

تعریف تیلیخ را می‌توان به گونه‌ای بازسازی کرد که سرسپردگی انسان در برابر حقیقت غایی و الوهی به عنوان غایت آن به شمار آید، و آن این که بگوییم دین مجموعه‌ای از معارف و آموزه‌هایی است که اعتقاد، ایمان و التزام عملی به آنها موجب جذبۀ نامتناهی و سرسپردگی انسان در برابر حقیقت الوهی (خداوند) می‌گردد. در هر حال، تعریف تیلیخ از دین، از تعریف‌های خاص است، زیرا ایمان به

مقصود از آن من علوی و انسانی است، و مراد از خودسالاری، تکامل و تعالی نهایی این بعد از وجود انسان است، تحقق آن در گرو آن است که غرایز و تمایلات حیوانی کاملاً کنترل شود و با رهبری عقل سلیم و وحی الهی هدایت گردد.

۲. تقویت رأی و قدرت عقل، اگر چه یکی از اهداف ادیان و حیوانی اصیل بوده است، ولی اولاً چنین آرمانی در همه ادیان - همچون ادان بدوی و ادیان و حیوانی تحریف شده - یافت نمی‌شود، و ثانیاً: چنین آرمانی به دین اختصاص ندارد، مکاتب فلسفی و بشری که در اصطلاح دین شناخته نمی‌شوند نیز از چنین ویژگی برخوردارند.

پل تیلیخ^(۸) دین را به عنوان سرسپردگی غایی بشر تعریف کرده است، وی از سرسپردگی به فلسفه نهایی و جذبۀ نامتناهی تعبیر می‌کند، علقه و جذبۀ ای که انسان به قدری آن را جدی می‌گیرد که حاضر است در راه آن هرگونه رنجی را تحمل کند و حتی جان بسپارد. تیلیخ، اگر چه متعلق این سرسپردگی یا علقه و جذبۀ نامتناهی را نام نبرده است، ولی چون

8. Paul Tillich.

خداوند از ارکان آن به شمار می‌رود.

تعریف‌های اخلاق‌گرایانه

عده‌ای از دین‌پژوهان، دین را با رویکردی اخلاق‌گرایانه تعریف کرده‌اند:

ایمانوتل کانت، در تعریف دین گفته است: «دین عبارت است از تشخیص همه وظایف به عنوان دستورات الهی».^(۱۰)

ماتیو آرنولد، نیز گفته است: «دین عبارت است از اخلاقی که در تماس با احساس قرار گرفته است».^(۱۱)

بدون تردید، اخلاق یکی از ابعاد مهم و اساسی دین - بویژه ادیان آسمانی - است. قرآن کریم، یکی از اهداف نبوت پیامبر اکرم ﷺ را تزکیه و تربیت افراد دانسته است. و در حدیث نبوی معروف، غایت بعثت رسول اکرم ﷺ تتمم و تکمیل مکارم اخلاق به شمار آمده است. بر این اساس، تعریف‌های اخلاق‌گرایانه دین، از این جهت که بر بعد اخلاقی دین تأکید ورزیده‌اند، قابل پذیرش‌اند، ولی از این نظر که بیانگر همه ابعاد دین نیستند، نقد پذیرند. از سوی دیگر، اگر مقصود از این

تعاریف، تعریف عام دین باشد، تعریف‌های مزبور قابل مناقشه‌اند، زیرا این ویژگی در برخی از ادیان، خصوصاً ادیان ابتدایی - یافت نمی‌شود. بنابراین، تعریف‌های اخلاق‌گرایانه از دین از دو نظر فاقد ویژگی جامعیت‌اند:

۱. از نظر ابعاد دین، به معنای خاص آن (ادیان آسمانی).

۲. از نظر مصادیق دین، به معنای عام آن (ادیان ابتدایی، پیشرفته و غیره).

تعریف‌های روان‌شناختی دین

روان‌شناسان بحث‌های بسیاری را درباره دین مطرح کرده‌اند، یکی از موضوعات مورد بحث آنان در این باره، ماهیت و چیستی دین بوده است.

ویلیام جیمز و چیستی دین: یکی از برجسته‌ترین روان‌شناسانی که درباره دین بحث‌های ارزنده‌ای را ارائه کرده است ویلیام جیمز^(۱۲) است که از وی به عنوان «پدر روان‌شناسی» یاد می‌شود. بحث‌های وی در ۲۰ فصل در کتابی به نام «گونه‌های تجربه دینی»^(۱۳) منتشر شده است، از این

۱۰ و ۱۱. ادیان زنده جهان، ص ۲۲.

12. Willam Jeamse (۱۹۱۰-۱۸۳۲) فیلسوف و روانشناس آمریکایی

13. The Varieties of Religious Experience.

مجموعه ۶ فصل به زبان فارسی به نام «دین و روان» ترجمه و به طبع رسیده است. جیمز برای دین دو جنبه یا دو شاخه قایل است: یکی جنبه فردی آن و دیگری جنبه سازمانی آن. عبادات، قربانی‌ها و دستورهایی که اعمال مذهبی را معین می‌کنند، جنبه فردی دین، و علم کلام و تشکیلات مربوط به معابد و نهادهای دین جنبه سازمانی دین را تشکیل می‌دهند.

به عبارت دیگر، بخشی از دین مربوط به اعمال خارجی انسان است که برای جلب عنایت و رحمت خداوند انجام می‌شود، و بخشی دیگر مربوط به حالات درونی انسان است. در بخش بیرونی، علم کلام و نهادهای دینی می‌توانند تأثیرگذار باشند، ولی بخش درونی، کاملاً شخصی است و این جا است که رابطه مستقیم میان انسان و خدا برقرار می‌شود.

آنچه مورد اهتمام جیمز قرار گرفته است همانا بخش درونی مذهب و دین است. وی، در تعریف این جنبه از دین گفته است:

«دین عبارت است از تأثرات و احساسات و رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تهایی و دور از همه

بستگی‌ها، روی می‌دهد، به طوری که انسان از این مجموعه می‌یابد که بین او و آن چیزی که آن را امر خدایی می‌نامد، رابطه‌ای برقرار است».

جیمز، سپس، یادآور شده است که با این تعریف از دین، از بسیاری از اختلافات عقاید دور خواهیم بود، فقط ممکن است در مورد کلمه «امر الهی» اختلاف رخ دهد، زیرا در پاره‌ای از مذاهب اعتقاد به خدا مطرح نیست، مانند بودا، هر چند نزد عامه بودایی‌ها شخص بودا به جای خدا قرار گرفته است. اما به نظر دقیق که در این آیین مطالعه شود، در آن خدایی فرض نشده است. پیشنهاد وی برای حل این اختلاف چنین است:

«هنگامی که ما در تعریف خود از مذهب، روابط بشری را با آنچه «امر الهی» است جای می‌دهیم باید «امر الهی» را در يك معنای وسیعی در نظر بگیریم به طوری که آن معنی، هم شامل خدای مشخص و معین باشد و هم خدایی مطلق یا شبه خدایی را در برگیرد».

جیمز، در این جا به این نکته پی برده است که کلمات: خدایی مطلق و شبه خدایی نیز خالی از ابهام نیست. لذا برای رفع چنین ابهامی گفته است: بشر خدایان

نکته دیگر این که وی از ابعاد مختلف دین، تنها بر بعد روحی و روانی آن تأکید ورزیده است و این، به مقتضای رشته علمی او یعنی روان‌شناسی بوده است. چنان که خود او تصریح کرده است که آنچه مورد مطالعه و تحقیق او تراسر می‌گیرد، جنبه روحی و درونی دین است. بدین جهت، تعریف او از دین تعریف جامع الاطرافی نخواهد بود.

یونگ و ماهیت دین

کارل گوستاو یونگ^(۱۵) تمام عمر خود را وقف مطالعه در فلسفه، باستان‌شناسی، کیمیاگری و روان‌شناسی کرد. وی مؤسس روان‌شناسی تحلیلی یا مکتب زوربخ به شمار می‌رود که آن را پس از جدایی از فروید در برابر مکتب فروید بنا نهاد.

مهم‌ترین عنصر روان‌شناسی تحلیلی کوشش برای دستیابی به افق لا یتناهی انسانیت است از طریق فراسوی علوم و فلسفه. یونگ، درباره دین بیش از هر موضوع دیگری سخن گفته است. در مجموعه آثار ۱۹ جلدی وی کمتر رساله‌ای

را به مفهوم عالی‌ترین موجودها و بالاترین قدرت‌ها شناخته است. خدایان، همه چیز این جهان را دربر گرفته و در خود دارند، هیچ چیزی از حول و قوه آنها بیرون نیست. اولین و آخرین کلمه حقیقت به آنها بستگی دارد. بنابراین، آنگاه می‌توان اصطلاح شبه خدایان را به کار برد که حاوی کلی‌ترین و عمیق‌ترین حقیقت باشد. هر چند از آنها به نام خدا یاد نشود.

بر این اساس، «دین عبارت خواهد بود از وضعیتی که انسان در آن، رابطه خود را با این حقیقت نخستین احساس می‌کند، حال، این حقیقت هرگونه که تصور شود یا به هر نامی که نامیده شود».^(۱۴)

بررسی

تعریف ویلیام جیمز از دین از تعاریف عام دین است و به ادیان آسمانی و وحیانی اختصاص ندارد، با این حال الگوی مورد نظر او از دین - با توجه به تعابیر و مفاهیم و مثال‌هایی که وی در بحث‌های خود به کار برده است - آیین مسیحیت است.

۱۴. ویلیام جیمز دین و روان، ترجمه مهدی قانتی، ص ۴-۱۱.

روانشناس و فیلسوف سوئیسی (۱۸۷۵-۱۹۶۱) Carl Gustav Jung

کلمهٔ دین در زبان لاتینی می‌توان آن را با این عبارت تعریف کرد: دین عبارت از حالت مراقبت و تذکر و توجه دقیق به بعضی از عوامل مؤثر که بشر عنوان قدرت قاهره را به آن‌ها اطلاق می‌کند و آن‌ها را به صورت ارواح، شیاطین، خدایان، قوانین، صور مثالی، کمال مطلوب، و غیره مجسم می‌کند.

یونگ، در ادامه افزوده است: «می‌خواهم تصریح کنم که از استعمال کلمه دین، اعتقاد به مسلک معینی را در نظر ندارم. اما این صحیح است که هر مسلکی در اصل از یک طرف به احساس مستقیم کیفیت قدسی و نورانی متکی است و از طرف دیگر، به ایمان، یعنی وفاداری و اعتماد به تأثیر عوامل قدسی و نورانی و تغییراتی که در وجدان انسان از آن تأثیر حاصل می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که اصطلاح دین، معرف حالت خاص وجدانی است که بر

وجود دارد که در باب مسال مربوط به دین سکوت کرده باشد.

به اعتقاد یونگ، معنای دین متناسب با ریشهٔ آن در زبان لاتین *Religere* عبارت است از: «تفکر از روی وجدان و با کمال توجه دربارهٔ چیزی که رودلف اتو^(۱۶) آن را شیء مقدس^(۱۷) نامیده است. کیفیت قدسی عبارت از خاصیت چیزی است که به چشم دیده می‌شود، یا اثر یک وجود حاضر ولی نادیدنی است که موجب تغییرات خاصی در وجدان می‌شود.^(۱۸)

ماهیت دین به زبان روان‌شناختی به محتویات ضمیرناآگاه جمعی، که از ابتکارات و اکتشافات یونگ است، بستگی دارد. این حقیقت از طریق مکاشفه درک و دریافت می‌شود. این مکاشفه را یونگ «تجربهٔ دینی» نامیده است.^(۱۹)

وی، در جایی دیگر چنین گفته است: «به نظر من، دین حالت خاصی از روح انسان است که بر طبق معنی اصلی

16. Ruolf otto.

17. numinosum.

۱۸. کارل گوستاو یونگ، روان‌شناسی و دین، ترجمهٔ فؤاد روحانی، ص ۴.

۱۹. ر. ک. یونگ، خدایان و انسان مدرن، فصل سوم، نوشتهٔ آنتونیوم مورنو، ترجمهٔ داروش مهرجویی؛ جامعه‌شناسی دین، نوشتهٔ ملکم همیلتون، ص ۱۱۶-۱۱۸؛ فلسفهٔ دین، اثر استاد محمدتقی جعفری، ص ۸۶.

- به ویژه ادیان بزرگ و آسمانی - جایگاه برجسته‌ای دارد تردیدی نیست، اما این مطلب که یونگ حقیقت دین را به محتویات ضمیر ناآگاه جمعی ارجاع داده است، قابل تأمل و مناقشه است. زیرا وی برای ضمیر ناآگاه سرچشمه‌ای بیرونی و ماوراء طبیعی قائل نیست. هر چند نظر فروید را نیز در این که ضمیر ناآگاه صرفاً بایگانی آنچه از ضمیر خودآگاه واپس زده شده و به آن واریز شده است، می‌باشد، قبول ندارد. به اعتقاد وی، گویا ضمیر ناخودآگاه چونان چشمه جوشانی است که يك رشته پدیده‌های روانی از آن سرچشمه می‌گیرد، بدون آن که از منبعی غیبی به آن وارد شود، روشن است که این تفسیر از معنا و ماهیت دین با ادیان آسمانی به هیچ‌وجه سازگاری ندارد، چنان که انطباق آن بر سایر ادیان نیز چندان روشن نیست. نادیده گرفتن بُعد اعتقادی، رفتاری و مناسکی دین نقص دیگر تعریف یونگ از دین است، نقصی که غالب تعریف‌های دانشمندان غربی در آن اشتراك دارند. (۲۱)

اثر درك کیفیت قدسی و نورانی تغییر یافته باشد». (۲۰)

ارزیابی

در تعریف یونگ از دین نکات زیر مطرح شده است:

۱. تعریف اصطلاحی دین با ریشه لغوی آن در زبان لاتین یعنی مراقبت و تذکر هماهنگ است.

۲. حقیقت دین را حالت‌های روحی تفکر، تذکر، توجه دقیق و مراقبت تشکیل می‌دهد.

۳. متعلق حالت‌های روحی یاد شده چیزی است که از نظر دینداران دارای دو ویژگی است:

الف. قداست و نورانیت؛

ب. قدرت قاهره

۴. ماهیت دین با محتویات ضمیر ناخودآگاه جمعی انسان ارتباط دارد.

۵. انسان این حقیقت را از طریق مکاشفه یا تجربه دینی می‌شناسد.

در این که عنصر توجه و تفکر در دین

۲۰. روان‌شناسی و دین، ص ۵-۶.

۲۱. درباره دیدگان یونگ پیرامون روان ناخودآگاه فردی و جمعی، در بحث مربوط به منشأ دین بیشتر سخن خواهیم گفت.